

توشیح قانون دسترسی به اطلاعات؛ گامی برای تقویت رسانه ها

سرمقاله

واقعیت های پولیس ملی

محمد رضا هویدا

نیروهای پولیس افغانستان در وضعیت ویژه ای به سر می برند. پولیس ملی با کمک جامعه جهانی شکل گرفته است. با تمام تلاش هایی که برای مسلکی شدن و خودکفا شدن پولیس ملی افغانستان کشیده شده، اما این نیرو در مراحل ابتدایی خود با مشکلات اساسی روبرو شده است. عمده ترین مشکلاتی که پولیس ملی افغانستان با آن روبرو شده است را می توان بدین صورت خلاصه کرد:

– پولیس ملی افغانستان از ابتدای تشکل خود مجبور به مبارزه با طالبان شد. بخش عمده ای از سربازان پولیس در ولایات ناامن قرار دارند و بار سنگین مبارزه با طالبان و گروه های مختلف مسلح غیر مسئول را بر دوش می کشند. جنگ فرصتی به پولیس افغانستان نداده است که به آموزش و تربیت و تعلیم بهتر دست یابند. فشار سنگین جنگ و ناامنی ها بر دوش پولیس افغانستان، سبب شده تا آنها همیشه در حالت جنگ به سر برند.

– با خروج نیروهای خارجی، مسوولیت تأمین امنیت را بر عهده نیروهای نظامی افغانستان قرار گرفت. خروج نیروهای خارجی از سوی دیگر به معنای کمتر شدن توجه و میزان کمک ها به نیروهای امنیتی افغانستان نیز بوده است. در سالهای گذشته، مسئله حملات خودی که از سوی نفوذی های دشمن در صفوف نیروهای امنیتی علیه مربیان و معلمان خارجی صورت گرفت و باعث بروز مشکلات زیادی در آموزش نیروهای پولیس شد، نیز در وضعیت کنونی پولیس بی اثر نبوده است.

– افراد پولیس ملی از درون همین جامعه هستند، بنابراین در کشوری که آمار افراد باسواد به پنجاه درصد نمی رسد، انتظار اینکه تمامی سربازان پولیس باسواد باشند، زیاده خواهی است. لذا شمار قابل توجهی از این نیروها بی سواد هستند و با سواد بسیار پایینی دارند.

– افغانستان تقریباً نیم قرن جنگ را تجربه کرده است. شکاف های قومی، سمتی، زبانی، مذهبی و... در این کشور برای سالهای سال در اوج خود قرار داشته است. این وضعیت سبب شده تا شاهد نفوذ این مشکلات در نیروهای پولیس نیز باشیم. – فساد اداری و خویش خوری که ادارات افغانستان را ملوث کرده، در ادارات پولیس نیز رسوخ داشته است. همان گونه که شماری از افراد میان و رده بالای بسیاری از ادارات افغانستان بدون روابط با گروه ها و افراد و جناح های سیاسی نیستند، برخی از افراد پولیس نیز وابستگی هایی از این قبیل دارند که مطمئناً در انجام کار و وظیفه شان بدون تأثیر نیست.

– افغانستان داشته برای پولیس و مردم افغانستان سنگین بوده است. اولین پیامد این وضعیت مربوط به استقرار حاکمیت و ثبات در کشور است. بدون داشتن پولیس خوب، فداکار و زحمت کش، استقرار حاکمیت، قانون پذیری و رسیدن به ثبات امکان ندارد. ضعف هر بخشی و یا قسمتی از حکومت سبب می شود تا دشمنان کشور از آن علیه مردم و دولت افغانستان استفاده کنند. به عنوان نمونه می توان به ضعف سیستم قضایی افغانستان اشاره کرده که بازار محکمه های طالبان را در شماری از ولسوالی ها پرورتن کرده است. علاوه بر اینها، یکی از دردناک ترین پیامدهای ضعف هایی که در پولیس ملی وجود دارد، بالا رفتن آمار تلفات انسانی در این نیروها است. مرگ هر یک از سربازان و فرزندان کشور، یک ضایعه برای کشور است و اثرات منفی اجتماعی، سیاسی و... در پی دارد.

اصلاح ساختاری پولیس امر ضروری و بزرگی است که نیازمند توجه اساسی است. اولین گام غیر سیاسی سازی نیروی پولیس ملی است. این یک اصل پذیرفته شده در اکثر کشورهای جهان است که نیروهای نظامی باید فارغ از دغدغه های سیاسی باشند و برخورد با آنها نیز برخورد مسلکی و شایسته باشد. دومین اصل، پذیرفتن اشتباهاتی است که اکثر دولت مردان کشور در ایجاد آن نقش داشته دارند. پولیس ملی در شکل جدید خود، فراز و نشیب های زیادی را تجربه کرده است و تصمیم های شتاب زده متعددی را به خود دیده است. از جمع آوری سلاح گرفته تا تشکیل نیروهای اربکی، تنها چیزی را که ثابت می کند، عدم ثبات رای و برنامه دولت مردان و برنامه ریزان کشور است.

دفتر ریاست جمهوری اعلان کرده است که محمد اشرف غنی رئیس جمهور کشور، بر مبنای قانون اساسی و در حمایت از تقویت ارزش های اسلامی و دموکراتیک، قانون دسترسی به اطلاعات را توشیح کرده است. همچنان در این خبرنامه ی ریاست جمهوری آمده است که رئیس جمهور خلفات رسانه یی قانون دسترسی به اطلاعات، به خاطر بهبود جریان اطلاع رسانی، رسیدگی به مشکلات خبرنگاران و تقویت آزادی بیان حکم مفصلی را بنا بر خواست دست اندرکاران رسانه ها صادر کرده است. ارگ در اعلامیه اش گفته است که در این حکومت علاوه بر سایر مسائلی، پیگیری تخلفات رسانه یی تنها از طریق نهادهای موظف، ترویج بیشتر روحیه ی همکاری با رسانه ها و رسیدگی به دوسیه های قتل دست اندرکاران رسانه یی بدون در نظر داشت دلیل وقوع جرم از زمان ایجاد ادراه موقت، گنجانده شده است.

همچنان در اعلامیه ی ارگ گفته شده است که بنا به خواست رسانه ها، طرز العمل مصونیت خبرنگاران نیز از سوی شورای امنیت ملی تصویب شده است و زمان تجدید جواز رسانه ها نیز برای شش ماه تمدید گردید. همچنان در اعلامیه ارگ گفته شده است که در مواردی ممکن است منسوبین قوای امنیتی و دفاعی افغانستان به گونه یی با خبرنگاران برخورد کرده باشند که به شکل موقت باعث سنگینی در کار آنها شده باشد، حکومت این برخوردها را عمل فردی می داند و متعهد به پیگیری قضیه است و اقدامات توبیخی را نیز روی دست گرفته است.

قانون دسترسی به اطلاعات و طرزالعمل مصونیت خبرنگاران در حالی توشیح و تصویب می شود که سفر چند روز پیش رئیس جمهور به ولایت بامیان پرحاشیه بود و گفته می شد که برخی از خبرنگاران و فعالان مدنی ولایت بامیان از سوی محافظین رئیس جمهور لت و کوپ شده است. بسیاری از فعالان مدنی و خبرنگاران بامیان در شبکه های اجتماعی نوشتند که محافظین رئیس جمهور دست به آزار و اذیت خبرنگاران و فعالان مدنی زده است، همچنان «نی» حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان،

در واکنش به خبر لت و کوپ خبرنگاران در بامیان، آن را خلاف قانون اساسی و آزادی بیان دانست. همچنین در اعلامیه ی ارگ گفته شده است که بنا به خواست رسانه ها، طرز العمل مصونیت خبرنگاران نیز از سوی شورای امنیت ملی تصویب شده است و زمان تجدید جواز رسانه ها نیز برای شش ماه تمدید گردید. همچنان در اعلامیه ارگ گفته شده است که در مواردی ممکن است منسوبین قوای امنیتی و دفاعی افغانستان به گونه یی با خبرنگاران برخورد کرده باشند که به شکل موقت باعث سنگینی در کار آنها شده باشد، حکومت این برخوردها را عمل فردی می داند و متعهد به پیگیری قضیه است و اقدامات توبیخی را نیز روی دست گرفته است.

قانون دسترسی به اطلاعات و طرزالعمل مصونیت خبرنگاران در حالی توشیح و تصویب می شود که سفر چند روز پیش رئیس جمهور به ولایت بامیان پرحاشیه بود و گفته می شد که برخی از خبرنگاران و فعالان مدنی ولایت بامیان از سوی محافظین رئیس جمهور لت و کوپ شده است. بسیاری از فعالان مدنی و خبرنگاران بامیان در شبکه های اجتماعی نوشتند که محافظین رئیس جمهور دست به آزار و اذیت خبرنگاران و فعالان مدنی زده است، همچنان «نی» حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان،

دسترسی خبرنگاران و روزنامه نگاران به اطلاعات، ژورنالیزم تحقیقی در کشور رشد خوبی نداشته است و انتظار می رود با توشیح و تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات، این بخش مهم از کار خبرنگاری نیز در کشور رونق یابد و تقویت شود. کار خبرنگاری در افغانستان همواره دشوار و پر خطر بوده است. در سالهای گذشته بسیاری از خبرنگاران در این راه جان های شان را از دست داده اند و به قتل رسیده اند. عده ی زیادی از خبرنگاران هم از سوی پولیس، افراد مسلح غیر مسئول و افراد ناشناس، تهدید و یا هم لت و کوپ شده اند. این موارد شغل خبرنگاری را در افغانستان، تبدیل به یکی از خطرناکترین شغل ها کرده بود.

حکومت افغانستان در سالهای گذشته، هیچگاه نتوانسته است امنیت جانی خبرنگاران را تأمین بکند و تهدیدها علیه خبرنگاران را کاهش دهد. در گزارش سالانه نهاد «نی» حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان آمده بود که: پس از گروه طالبان بیشتر خشونت علیه خبرنگاران از سوی افراد دولتی صورت گرفته است. این گزارش نشان میدهد که خبرنگاران نه تنها از سسوی گروه های افراطی و افراد مسلح غیر مسئول تهدید شده اند و می شوند، بلکه مقامات دولتی و افراد وابسته به دولت

مهدی مدبر



دسترسی خبرنگاران و روزنامه نگاران به اطلاعات، ژورنالیزم تحقیقی در کشور رشد خوبی نداشته است و انتظار می رود با توشیح و تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات، این بخش مهم از کار خبرنگاری نیز در کشور رونق یابد و تقویت شود. کار خبرنگاری در افغانستان همواره دشوار و پر خطر بوده است. در سالهای گذشته بسیاری از خبرنگاران در این راه جان های شان را از دست داده اند و به قتل رسیده اند. عده ی زیادی از خبرنگاران هم از سوی پولیس، افراد مسلح غیر مسئول و افراد ناشناس، تهدید و یا هم لت و کوپ شده اند. این موارد شغل خبرنگاری را در افغانستان، تبدیل به یکی از خطرناکترین شغل ها کرده بود.

حکومت افغانستان در سالهای گذشته، هیچگاه نتوانسته است امنیت جانی خبرنگاران را تأمین بکند و تهدیدها علیه خبرنگاران را کاهش دهد. در گزارش سالانه نهاد «نی» حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان آمده بود که: پس از گروه طالبان بیشتر خشونت علیه خبرنگاران از سوی افراد دولتی صورت گرفته است. این گزارش نشان میدهد که خبرنگاران نه تنها از سسوی گروه های افراطی و افراد مسلح غیر مسئول تهدید شده اند و می شوند، بلکه مقامات دولتی و افراد وابسته به دولت

خستگی ایالات متحده از دست دنیا

بنوا برویل برگردان شهباز نخعی / قسمت سوم و پایانی

برای طبقه متوسط مساعد است. به محض آن که افق تیره می شود، قدرت به صورت یک بار سنگین درمی آید. درسال های دهه ۱۹۷۰، درحالی که نرخ بهره و بدهی خانوارها افزایش می یافت و دو شوک نفتی اقتصاد کشور را تضعیف می کرد، فاجعه وینتام و پیشروی اتحاد شوروی در آسیا و آفریقا نقطه ضعف های برتری نظامی آمریکا را نشان داد. و در سال ۱۹۷۶، بنابر تحقیقی توسط «شورای روابط خارجی»، ۴۳ درصد از آمریکایی ها براین نظر بودند که ایالات متحده می باید «در درجه اول به امور مربوط به خود بپردازد»، این رقم از رکورد از زمان آغاز این تحقیق درسال ۱۹۶۴ (۲۰ درصد) بود.

دو شکل یک نوع ملی گرای بی گمان «برای ساخت افکار عمومی باید کار کرد» و این امکان وجود دارد که جنگی که هوادار نداشته محبوبیت یابد. آقای اوپاما حاضر به انجام این کار نیست، آقایان کروز و ترامپ هم همین طور و حتی ترامپ پیشنهاد کرده که کشورش از بیسان «نانو» خارج شود زیرا این سازمان «منسوخ» شده و بسیار پر هزینه است. چنان که تاریخ دان انگلیسی پری آندرسون نشان داده، مداخله گری انزواجویی دو وجه یک ملی گرای را تشکیل می دهد. یکی ازاین دو وجه به سلطه جویی آمریکا مشروعیت می دهد و جهانی گرای آن را ارزش می شمارد (این وجه فعالیت منجی وار واشنگتن در رهنمونی دنیا به راه راست را توجیه می کند). وجه دیگر استثنائگرایی (که حفظ ویژگی منحصر به فرد جامعه ای که در جهان تافته جداافتاده است را تریغ می کند) را مشروعیت می بخشد. انزواجویی که پیش از جنگ جهانی دوم چیرگی داشت، در دوران جنگ

کشایش یک پایگاه نظامی در استرالیا، تقویت ناوگان دریایی آمریکا در اقیانوس آرام... و در ۴ فبروری ۲۰۱۶ به امدای این موضوع «چرخشی» بود که درسال ۲۰۱۰ آغاز شد. استفن سنستاونویچ استاد دانشگاه کلمبیا می نویسد: «برقراری مجدد تعادل» به سوی «آسیا» همان نقشی را در راهبرد عدم سنگر سازی مجدد دستگاه مدیریتی اوپاما دارد که گمشایش به سوی چین در رویکرد آمریکا در پایان جنگ وینتام داشت. این ثابت می کند که ایالات متحده، چنان که نیکسون گفته بود درحال «زبیین رقتن به عنوان ابرقدرت» نیست. با آن که این امر موجب اقدامات نمادینی مانند (دیدارهای حکومتی،

رق دراین مورد، به کاخ سفید راه یافت تا بتواند توجه خود را بر «آسیا» متمرکز کند که سیر رویدادهای آن توجه برانگیز است. این موضوع «چرخشی» بود که درسال ۲۰۱۰ آغاز شد. استفن سنستاونویچ استاد دانشگاه کلمبیا می نویسد: «برقراری مجدد تعادل» به سوی «آسیا» همان نقشی را در راهبرد عدم سنگر سازی مجدد دستگاه مدیریتی اوپاما دارد که گمشایش به سوی چین در رویکرد آمریکا در پایان جنگ وینتام داشت. این ثابت می کند که ایالات متحده، چنان که نیکسون گفته بود درحال «زبیین رقتن به عنوان ابرقدرت» نیست. با آن که این امر موجب اقدامات نمادینی مانند (دیدارهای حکومتی،

گشایش یک پایگاه نظامی در استرالیا، تقویت ناوگان دریایی آمریکا در اقیانوس آرام... و در ۴ فبروری ۲۰۱۶ به امدای این موضوع «چرخشی» بود که درسال ۲۰۱۰ آغاز شد. استفن سنستاونویچ استاد دانشگاه کلمبیا می نویسد: «برقراری مجدد تعادل» به سوی «آسیا» همان نقشی را در راهبرد عدم سنگر سازی مجدد دستگاه مدیریتی اوپاما دارد که گمشایش به سوی چین در رویکرد آمریکا در پایان جنگ وینتام داشت. این ثابت می کند که ایالات متحده، چنان که نیکسون گفته بود درحال «زبیین رقتن به عنوان ابرقدرت» نیست. با آن که این امر موجب اقدامات نمادینی مانند (دیدارهای حکومتی،

افغانستان تقریباً نیم قرن جنگ را تجربه کرده است. شکاف های قومی، سمتی، زبانی، مذهبی و... در این کشور برای سالهای سال در اوج خود قرار داشته است. این وضعیت سبب شده تا شاهد نفوذ این مشکلات در نیروهای پولیس نیز باشیم. – فساد اداری و خویش خوری که ادارات افغانستان را ملوث کرده، در ادارات پولیس نیز رسوخ داشته است. همان گونه که شماری از افراد میان و رده بالای بسیاری از ادارات افغانستان بدون روابط با گروه ها و افراد و جناح های سیاسی نیستند، برخی از افراد پولیس نیز وابستگی هایی از این قبیل دارند که مطمئناً در انجام کار و وظیفه شان بدون تأثیر نیست.

– افغانستان داشته برای پولیس و مردم افغانستان سنگین بوده است. اولین پیامد این وضعیت مربوط به استقرار حاکمیت و ثبات در کشور است. بدون داشتن پولیس خوب، فداکار و زحمت کش، استقرار حاکمیت، قانون پذیری و رسیدن به ثبات امکان ندارد. ضعف هر بخشی و یا قسمتی از حکومت سبب می شود تا دشمنان کشور از آن علیه مردم و دولت افغانستان استفاده کنند. به عنوان نمونه می توان به ضعف سیستم قضایی افغانستان اشاره کرده که بازار محکمه های طالبان را در شماری از ولسوالی ها پرورتن کرده است. علاوه بر اینها، یکی از دردناک ترین پیامدهای ضعف هایی که در پولیس ملی وجود دارد، بالا رفتن آمار تلفات انسانی در این نیروها است. مرگ هر یک از سربازان و فرزندان کشور، یک ضایعه برای کشور است و اثرات منفی اجتماعی، سیاسی و... در پی دارد.

اصلاح ساختاری پولیس امر ضروری و بزرگی است که نیازمند توجه اساسی است. اولین گام غیر سیاسی سازی نیروی پولیس ملی است. این یک اصل پذیرفته شده در اکثر کشورهای جهان است که نیروهای نظامی باید فارغ از دغدغه های سیاسی باشند و برخورد با آنها نیز برخورد مسلکی و شایسته باشد. دومین اصل، پذیرفتن اشتباهاتی است که اکثر دولت مردان کشور در ایجاد آن نقش داشته دارند. پولیس ملی در شکل جدید خود، فراز و نشیب های زیادی را تجربه کرده است و تصمیم های شتاب زده متعددی را به خود دیده است. از جمع آوری سلاح گرفته تا تشکیل نیروهای اربکی، تنها چیزی را که ثابت می کند، عدم ثبات رای و برنامه ریزان کشور است.

دسترسی خبرنگاران و روزنامه نگاران به اطلاعات، ژورنالیزم تحقیقی در کشور رشد خوبی نداشته است و انتظار می رود با توشیح و تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات، این بخش مهم از کار خبرنگاری نیز در کشور رونق یابد و تقویت شود. کار خبرنگاری در افغانستان همواره دشوار و پر خطر بوده است. در سالهای گذشته بسیاری از خبرنگاران در این راه جان های شان را از دست داده اند و به قتل رسیده اند. عده ی زیادی از خبرنگاران هم از سوی پولیس، افراد مسلح غیر مسئول و افراد ناشناس، تهدید و یا هم لت و کوپ شده اند. این موارد شغل خبرنگاری را در افغانستان، تبدیل به یکی از خطرناکترین شغل ها کرده بود.

حکومت افغانستان در سالهای گذشته، هیچگاه نتوانسته است امنیت جانی خبرنگاران را تأمین بکند و تهدیدها علیه خبرنگاران را کاهش دهد. در گزارش سالانه نهاد «نی» حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان آمده بود که: پس از گروه طالبان بیشتر خشونت علیه خبرنگاران از سوی افراد دولتی صورت گرفته است. این گزارش نشان میدهد که خبرنگاران نه تنها از سسوی گروه های افراطی و افراد مسلح غیر مسئول تهدید شده اند و می شوند، بلکه مقامات دولتی و افراد وابسته به دولت

ریزی می کند، زیرا برنامه ریزی دولت به زندگی مردم پیوند دارد و آنها باید بدانند که دولت برای آنها چه برنامه های دارد. انتظار می رود که با توشیح قانون دسترسی به اطلاعات، مردم افغانستان از خلاء اطلاعاتی بیرون بیابند و بتوانند معلومات دقیق و موق دربارہ وضعیت جاری کشور و برنامه و پلان های آینده ی حکومت بدست بیاورند.

در تاریخ افغانستان اطلاعات همواره از سوی حکومت محفوظ نگهداشته شده است و حکومت خود را مالک اطلاعات دانسته است. مردم افغانستان تنها به اطلاعاتی دسترسی داشته اند که مسئولین حکومتی خواسته اند و اجازه نشر آنها را داده است. اما در یک نظام دموکراتیک، نشر اطلاعات و دسترسی مردم به اطلاعات، از حقوق آنها است و حکومت هیچگاه نمی تواند این حق را از آنها بگیرد. حکومت وحدت ملی نیز می گوید که باورمند و متعهد به اصول دموکراسی است، بنا بر این باید زمینه ی دسترسی شهروندان به اطلاعات را فراهم می کرد. توشیح قانون دسترسی به اطلاعات، نشان می دهد که حکومت در این زمینه تمایل به همکاری با رسانه ها دارد و می خواهد که اطلاعات را با آنها شریک بسازد.

رسانه ها به عنوان رکن چهارم یک نظام و حکومت دموکراتیک یاد می شوند، در حکومت دموکراتیک همچنان که سایر بخش های حکومت نیازمند حمایت، رشد و تقویت است، رسانه ها نیز باید حمایت و تقویت شوند. حکومت تنها با تصویب قوانین و اجرای کردن قوانین مربوط به دسترسی به اطلاعات و مصونیت خبرنگاران، می تواند به رسانه ها کمک کند و در راستای تقویت آنها همکاری کند. توشیح قانون دسترسی به اطلاعات از سوی رئیس جمهور و تصویب طرزالعمل مصونیت خبرنگاران از سوی شورای امنیت، گام های مهم در راستای تقویت و حمایت از رسانه های کشور است، اما تعهد به اجرا و تطبیق این قوانین، کار مهتر و مؤثرتر است و انتظار می رود حکومت در این زمینه نیز متعهد و مصمم باشد.

از جنگ عراق و بمباران سوریه و لیبی حمایت کرده و براین نظرات است که توافق اتمی امضا شده با ایران فاقد قابلیت است و از زمانی که وزارت خارجه را ترک کرده، در انتقاد از آقای اوپاما تردید نکرده است. او حتی با آن که اخیراً اظهارات خود را به خاطر مقابله با حملات رقیبش برنی ساندروز – که همواره به جناح ضد جنگ دموکرات تعلق داشته – تعدیل کرده و همچنان هوادار سرسخت مداخله گری و مطمئن ترین فرد آمریکا است. فریدمن سیاست خارجی آمریکا است. فریدمن تأکید می کند که: «واقع بیان و دیگر پژوهش گران درمورد مداخله گری ها افکاری نزدیک به هم دارند».

با تمرکز بر روی ایالات متحده، استدلال را غالباً می توان از زسان آقایان کروز، ترامپ و اوپاما برای توجیه افعال مبارزه جویانه شنید. همچنین، هرسه اینها در این ایده سهمی اند که متحدان واشنگتن – از عربستان سعودی گرفته تا فرانسه و کشورهای حاشیه خلیج فارس، آلمان و ژاپن – می باید از گذاشتن بار سنگین نظام امنیت بیسن المللی بردوش آمریکا دست بردارند. سرانجام، با آن که همه اینها بر اراده خود برای جلوگیری از آسیب رسانی داعش تأکید می کنند، و زیر «فرش بمب» قسار گیرد، به صورتی متناقض براین نظر توافق دارند که «خاور نزدیک» دیگر کانون منافع آمریکا نیست. این ایده که بی تردید درعرصه اقتصادی درست است، از دیدگاه اخلاقی و سیاسی برش برانگیز است. آیا ایالات متحده می تواند از امروز به فردا تصمیم بگیرد که دیگر نمی خواهد رهبری ای که در مدت ۶۰ سال به نیروی اسلحه به دست آورده را به عهده داشته باشد؟ آیا ایالات متحده می تواند بدون هیچ گونه ناراحتی روحی و بازپرداخت و جبران (مالی، حمایت دیپلماتیک بربنای همکاری دوجانبه و عادلانه و غیره) خود را از منطقه ای که مدت ها آن را بی ثبات کرده کنار بکشد؟ جرمی شاپیرو، پژوهشگر «بنیاد بروکینگز» و مشاور وزارت خارجه موضوع را به شکلی خلاف عرف چنین خلاصه می کند: «آنچه اهمیت دارد دستیابی به صلح ادرخاور نزدیک نیست، بلکه این است که ایالات متحده تا چه حد در بوجود نیامدن صلح مسئولیت دارد اما تاریخ را نمی توان محو کرد: حتی زمانی که ایالات متحده دیگر سربازی در منطقه نداشته باشد، مستلر هرج و مرجی است که ایجاد کرده است.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده
دیزاین:علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

افغانستان ما
The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine